

شاه امان الله غازی.

استرداد استقلال افغانستان.

شاه امان الله غازی در زمانی اقدام به گرفتن آزادی مادروطن خود کرد که جهان شاهد تحولات عمیق و سریع اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنالوژی بود و روحیه ضد استعماری بود. کشورهای کوچک و بزرگ که در یوغ استعمار بودند یکی پی دیگر آزادی خود را حاصل میکردند. جنگ جهانی اول ختم شده بود. انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی جدید دیگر متحد وقت جنگ نبودند بلکه بعد از انقلاب اکتوبر در روسیه و برقراری نظام کمونستی باهم در رقابت قرار گرفتند. اغتشاشات در هند بریتانوی علیه انگلیسها به اوج خود رسیده بود. مشروط خواهان و ملت قهرمان و آزادی خواه افغان تشنه استقلال مادروطن خود بودند. ملت افغان با فهم اینکه انگلیسها دارای طیارات جنگی، تانگها و توپهای پیشرفته بودند و افغانستان به هیچ نوع از نگاه نظامی با انگلیسها رقابت نمیتوانست با آنها ملت قهرمان افغان به اتکاء بخداوند (ج) منتظر بقدرت رسیدن شخصیت ملی و آزادیخواه چون امان الله خان بودند که صدای قیام ملی شانرا لبیک بگوید لهذا امان الله خان با درک شرایط به اتکاء به خداوند یکتا و اعتماد به ملت یکپارچه و قهرمان جهاد را علیه انگلیس استعمارگر اعلان و جنگ را در سه جبهه اعلان کرد که در نتیجه شهادت نیروهای ملی افغانها الی تل و وانه پیشروی و قسمتهای زیاد خاک خود را که جبراً جدا شده بود اشغال کردند. در همین وقت انگلیسها با درک اینکه اغتشاشات در هند نیز روز بروز به اوج خود میرسید با دوام جنگ ننتها افغانستان بلکه هند را نیز از دست خواهند داد بهتر دانستند که به اصطلاح از بروت یعنی افغانستان امروزی تیر شوند و ریش را که عبارت از هند بود نگه بدارند یعنی متارکه را برای ختم جنگ و آزادی افغانستان اعلان و سپس نیروهای انقلابی هند را سرکوب نمایند. که مقابلتاً امان الله خان غازی پیشنهاد متارکه انگلیس را در حالیکه کابل از طرف انگلیسها بمباردمان میشد با این عقیده قبول کرد، ریش را که افغانستان فعلی باشد نگه و موضوع بروت را که مناطق اشغال شده بود از طریق دیپلوماسی حل خواهد کرد یعنی قضیه خط سیاه دیورند را که از طرف دولت استعماری انگلیس بالای رهبر مستعمره شان جبراً امضاء و یک ابلاغیه تحمیل شده بود و میتواند بعداً بحیث یک کشور آزاد و مستقل ابلاغیه مشترک را ملغا و خاکهای از دست رفته خود را مجدداً الحاق افغانستان امروزی نماید.

در این قسمت لازم میبینم مختصری از نوشته نویسنده انگلیس بنام (لیوتتن جنرال سر جورج مکمون) را که در سال 1929م نوشته نقل قول کنم.

باید به این نوشته تاریخی بسیار دقت شود. چنین است.

نویسنده انگلیس باریختن اشک تمساح مینویسد که.

" قبلاً در عوض معاهدات رسمی به اساس تبادل مکاتبات مؤفقات صورت میگرفت اما قبولی و تضمین استقلال افغانستان با پذیرش لقب شاه در عوض امیر برای امان الله و آزادی تماس مستقیم افغانستان با لندن و کشورهای دیگر معاهده تحقیر آمیز برای لندن بود چه برای آنچه ما در سابق خون ریخته بودیم از دست دادیم. هدف از توافقات گذشته ایجاد بفرستت(حایل) بین هند و روسیه تزاری و یا اشتراکی بود اما با سقوط روسیه تزاری حتی الی یکسال بعد از امضاء معاهده اکثراً چنین تصور میکردند که دیگر خطری وجود ندارد و دولت ما فکر میکرد که از افغانستان مؤفق برآمدیم یعنی از تادیه کمک مالی سالانه و دفاع از افغانستان خلاص شدیم. درحالیکه از افغانستان در مقابل تجاوز دفاع میشد نه بخاطر احترام گذاشتن به موافقه و یا معاهده. چه این یک واقعیت انکارناپذیر است که بنابر موقعیت جغرافیائی ما، هیچ تعهدی نمیتوانست جلو اقدامات نظامی ما را بگیرد.. بلی آنچه قابل تذکر است که ما قبلاً در صورت وقوع حوادث دست آزاد داشتیم و به اساس توافقات گذشته. امیر هیچگاه مانع رفتن صاحب منصبان ما برای مطالعه مناطق سرحدی شده نمیتوانست چه امیر عبدالرحمن خان انگلیس و روسیه را برای تربیه عساکر خود دعوت نمیکرد. آنچه از معاهده بدست آوردیم این بود که ما برای رسیدن به اهداف طویل المدت خود و تحولات اوضاع در کابل روابط خود را بحضور نمایندگی اروپائی در عوض مسلمان با افغانستان تحکیم مینمایم که حضور او در کابل روابط خود را با حضور نمایندگی اروپائی در عوض مسلمان با افغانستان تحکیم مینمایم که حضور او در بین نماینده گان دیگر کشورهای اروپائی بهانه برای شورشیان در مقابل ما نخواهد شد" (ص 283 افغانستان از دایروس الی امان الله).

مطلب من از تذکر نوشته انگلیس اینست که شاه امان الله آگاهانه و هوشیارانه پیشنهاد متارکه انگلیس را قبول نموده بود و میدانست که توافقات قبلی جدش (امیر عبدالرحمن خان) بعد از استقلال و امضاء معاهده رسمی جدید اعتبار ندارد و میتواند موضوع را از طریق دیپلوماسی حل نماید.

اما با تأسف بعد از استقلال دیری نگذشته بود که رقابتهای برای گرفتن مقام صدرت و مداخلات مخفیانه انگلیسها و روسیه شوروی در داخل افغانستان چنان شدت میگرفت که شاه امان الله فرصت مطرح نمودن مناطق اشغال شده را جدی با انگلیسها و یا تطبیق یکی از شرایط مهم ایجاد شاهی مشروط را که عبارت از جدا نمودن سلطنت از رهبری قوه اجرائیه بود عملی نماید که در نتیجه روز بروز با تبلیغات زهراگین دشمنان خارجی و نوکران داخلی شان شاه امان الله که آرزوهای عالی برای انکشاف سریع مادروطن خود بطرف طریقات کشورهای مدنی داشت بمرور زمان رو بزوال و سقوط گرائید. یعنی انگلیسها بنام سفارت خود در کابل برای سقوط سلطنت شاه امان الله غازی شیطانخانه و سلاحخانه ساختند و در سفارت سلاح و مهمات نظامی را ذخیره میکردند. قرار نوشته سردار عبدالرحیم خان ضیایی یک شب سلاحخانه انگلیس در سفارتخانه حریق و ساعتها دود آن فضائی کابل را تاریک ساخته بود و نیز مینویسند که در یک مقطع زمانی وقتی حبیب الله کلکانی در پای خود زخم برداشت در سفارت انگلیس توسط داکتران انگلیس تداوی و سپس با مقدار زیادی پول و اسلحه مرخص گردید.

از موضوعات مهم که شاه امان الله در دوره سلطنت ده ساله خود انجام داد قرار ذیل میباشد.

شاه امان الله غازی برای اولین بار در تاریخ افغانستان برای حاکمیت قانون در سال 1923م قانون اساسی ای را بنام "نظامنامه" در (73) ماده تدوین و در عمل تطبیق کرد همچنان نظامنامه نکاح، عروسی و ختنه سوری را در سال 1924م در (22) ماده و یک تعداد قوانین دیگر را تدوین و به نشر سپرد. و مطابق هدایات نظامنامه برای اولین بار تشکیلات سیاسی و اداری دولت شاهی افغانستان را اساسگذاری کرد، به این معنی که کابینه را بشکل جوامع مدنی مطابق نیازمندیهای افغانستان ساخت و وزیری را در رأس هر وزارت تعیین کرد.

همچنان تشکیلات اداری و تقسیمات ملکی افغانستان را در حدود اربعه های مشخص ترتیب و برای هر منطقه والی، نایب الحکمه و یا حاکم اعلی مقرر نمود.

مهمتر از همه برای اینکه روابط ولایات، نایب الحکمگیها و حکومتهای اعلی را با مرکز نزدیک داشته باشد و به امور بعضی ولایات نیازمند رسیدگی و توجه بیشتر صورت گیرد تعداد از وزیران کابینه نیز بنام روئسای تنظیمیه توظیف گردیده بودند که مستقیماً از مرکز با ولایات، نایب الحکمگیها و حکومتهای اعلی همکاری نمایند. (ای کاش امروز هم چنین میبود)

همچنان از کارهای مهم دیگری شاه امان الله یاد آوری مینمایم و آن اینست که.

- شاه امان الله غازی برای اولین بار در تاریخ افغانستان معاهدات رسمی را با دول کشورهای چون انگلستان، جرمنی، اتحاد شوروی، ایران، ترکیه، فرانسه و ایتالیا امضاء و به اساس آن با کشودن نماینده گی های سیاسی روابط سیاسی بین افغانستان و کشورهای خارجی آغاز گردید.

- شاه امان الله اولین بار در تاریخ افغانستان با معرفی نهضت زنان برای زنان افغان حقوق مساوی را در تمام امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داد که حتی در امریکا که خود را مهد دیموکراسی، آزادی و مدافع حقوق بشر میدانست زنها امریکا الی 1920م حق رای دادن و کاندید شدن را نداشتند و برای اولینبار یک خانم سیاه پوست در 1968م به کانگرس را یافت.

- شاه امان الله در تاریخ افغانستان واحد پولی را نام ملی داد یعنی روپیه کابلی را به افغانی تبدیل کرد.

- شاه امان الله بیرق افغانستان را از سیاه به سیاه و سرخ و سبز تبدیل در داخل افغانستان و نمایندگی های سیاسی افغانستان در کشورهای خارجی بحیث کشور آزاد و مستقل بر افراشت.

- شاه امان الله عروسی تعدادی از نوجوانان نامزد بی بضاعت و غریب شهر کابل و نواهی آنرا که توانائی مصارف عروسی را نداشتند با عروسی خواهر خود با سردار حسن خان در یک محفل جشن گرفت. که البته ما در چند دهه اخیر در کشور های متمدن غرب شاهد چنین عروسیها میباشیم

- شاه امان الله ترقیخواه بنا بر عشق سرشار که به علم و با سواد شدن هموطنان خود داشت برای تشویق هم میهنان خود بعضاً شخصاً در مسجد شاه دوشمشیره برای بزرگسالان درس میداد.

- شاه امان الله برای اولین بار تعداد خانمهای افغانی را برای فراگرفتن تحصیل بخارج از کشور اعزام داشت و نیز در لویه جرگه به نمایندگی زنان افغان دو خانم افغان نیز اشتراک ورزیدند این بود فشرده از کارنامه های شاه امان الله خان غازی که چکیده های ازموأخذ ذیل میباشد عرض گردید. .

1- صفحاتی از تاریخ معاصر افغانستان نوشته (سردار محمد رحیم خان ضیائی و تألیف جناب ولی احمد نوری)

2-قطی عطار نوشته جناب الحاج محمد کبیر نورزی.

3- افغانستان از دایروس الی امان الله خان .نویسنده انگلیسی. 1929م

4- تراژدی امان الله خان(نوشته سردار اقبالعلی خان هندی 1933م).

به آرزوی استقلال و آزادی مجدد افغانستان عزیز و فرستادن درود به روح فرزند قهرمان افغان خاصتاً شاه امان الله خان غازی و همه مبارزین واقعی راه آزادی و استقلال میهن ویرانشده و هم میهنان ستمدیده و رنجکشیده افغانم.

خداوند نگهبان آزادی خواهان واقعی و با ایمان افغان.

پایان